

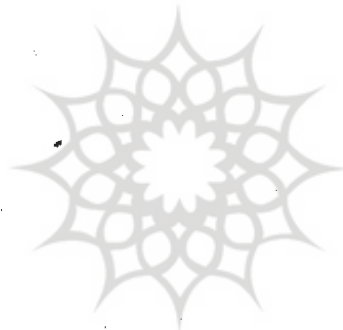
دکتر سید علی اصغر کاظمی



مسئلہ شمول مفاد
کنوانسیون جدید حقوق دریاها

به کشورهای ثالث غیر عضو





پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېسنس

پرتال جامع علوم انساني

● مقدمه

بعد از آنکه حاصل تلاش متجاوز از یک دهه تحقیق و بحث و مجادله و مصالحه نمایندگان بیش از یکصد و پنجاه کشور جهان در اجلاسهای کنفرانس سوم حقوق دریاها^۱ به صورت مجموعه فنی - حقوقی

۱. کنفرانسهای اول و دوم حقوق دریاها (بدون احتساب کنفرانس تدوین حقوق بین الملل ۱۹۳۰ لاهه) به ترتیب در سالهای ۱۹۵۸ و ۱۹۶۰ در ژنو تشکیل گردید؛ لکن با وجود کوششهای فراوان در جهت تدوین قواعد و نظامات عرفی و سنتی حاکم بر دریاها هیچیک از این دو کنفرانس موفق به تعیین قطعی عرض دریای سرزمینی نگردید. هنگامی که در سال ۱۹۶۷ مسئله در دستور کار مجمع عمومی ملل متحد قرار گرفت ابعاد جلیبی از نارسائیهها و کمبودهای حقوق مدون دریاها که ناشی از دو عامل عمده، یعنی بیداری تدریجی جهان سوم و پیشرفت حیرت انگیز تکنولوژی بود، آشکار گردید. در خلال همین اجلاس دکتورین «میراث مشترک بشریت» (The Common Heritage of Mankind) وسیله آقای «آروید پاردو» (Arvid Pardo) نماینده دائمی مالت در سازمان ملل متحد مطرح شد که در نهایت منجر به تشکیل کمیته بستر دریاها گردید. پس از آنکه کمیته مذکور گزارش کار خود در خصوص بهره برداری صلحجویانه از بستر و زیر کف دریا در مناطق واقع در ماورای

بسیار پیچیده‌ای تحت عنوان «کنوانسیون حقوق دریاها» در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ در مونتگوبی جامائیکا^۲ آماده امضاء گردید، حدود بیست و دو دولت منجمله ایالات متحده آمریکا و اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس) از امضای آن خودداری نمودند. عمل این کشورها که هر یک بنابه دلایل خاص خود از گذاردن صحنه ذیل این سند بسیار مهم که منشور جهانی نظام حاکم بر دریاها را تبیین می‌نماید، امتناع کردند^۳، مسائل عدیده‌ای را از نظر حق برخورداری آنان نسبت به حقوق و امتیازات پیش‌بینی شده در کنوانسیون که صرفاً جنبه قراردادی دارد، مطرح می‌سازد.

به تصدیق و اذعان حقوقدانان برجسته دنیا، ایران تنها کشوری بود که هنگام امضای این کنوانسیون طی اعلامیه‌ای مستدل، صریح و کتبی در

حاکمیت ملی به نفع جامعه بشریت را در سال ۱۹۷۰ تقدیم مجمع عمومی نمود، این مجمع با مشاهده وسعت موضوعات و مشکلات، طی قطعنامه‌ای کمیته بستر دریاها را مأمور بررسی و تهیه مقدمات کنفرانس سوم حقوق دریاها نمود. اولین اجلاس این کنفرانس در سال ۱۹۷۳ در کاراکاس - ونزوئلا تشکیل شد و از آن پس اجلاس‌های پی‌درپی تا سال ۱۹۸۲ متناوباً در ژنو و نیویورک ادامه داشت و در خلال آنها نظام نوین حاکم بر دریاها وسیله حقوقدانان و دیپلمات‌ها بررسی و تدوین گردید. کنوانسیون جدید حقوق دریاها (United Nations Convention on the Law of the Sea) محصول کار همین کنفرانس می‌باشد. برای بررسی متن کامل کنوانسیون رک. به:

United Nations Document A/ Conf. 62/ 122 7 October 1982.
2. Montego Bay- Jamaica

۳. این کنوانسیون که شامل ۳۲۱ ماده و ۹ الحاقیه می‌باشد در اولین روز باز شدن برای امضاء در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ وسیله نمایندگان ۱۱۹ کشور به امضاء رسید. کنوانسیون جدید حقوق دریاها ۱۲ ماه پس از الحاق ۶۰ کشور رسماً قدرت اجرایی خواهد یافت. هنگام تصویب کنوانسیون جدید حقوق دریاها در اجلاس پایانی کنفرانس سوم حقوق دریاها در ۳۰ آوریل ۱۹۸۲ در نیویورک، ۱۳۰ هیئت نمایندگی به آن رأی مثبت دادند، ۴ کشور رأی منفی (آرای کشورهای ایالات متحده آمریکا، اسرائیل (رژیم اشغالگر قدس)، ترکیه و ونزوئلا منفی بود) و ۱۷ رأی ممتنع. برخی از کشورها که در جامائیکا آنرا امضاء نکردند، در فرصتهای بعدی آنرا امضاء نمودند. لازم به توضیح است که صرف تصویب یا امضای کنوانسیون، ایجاد تعهد قانونی برای کشوری نمی‌کند و برای این امر بایستی هر دولت طبق قوانین داخلی خود نسبت به تصویب نهائی در سیستم قانونگذاری (قوة مقتنه) و ارائه اسناد رسمی الحاق طبق مفاد پیش‌بینی شده در کنوانسیون اقدام نماید.

ارتباط با مسئله شمول مفاد کنوانسیون به دولتهای غیر عضو - که از این پس «کشورهای ثالث» نامیده می‌شوند - موضع خود را اعلام نمود. آگاهی از ابعاد مختلف حقوقی و آثار سیاسی - نظامی و اقتصادی این موضعگیری برای مسئولان، دست‌اندرکاران، حقوقدانان و محافل آکادمیک کشور مفید به نظر می‌رسد.

در این بررسی، ایالات متحده آمریکا به عنوان یک نمونه بارز کشور ثالث غیرعضو کنوانسیون جدید حقوق دریاها آورده شده است. با مراجعه به تاریخ معاهدات عمده بین‌المللی ملاحظه می‌کنیم که این کشور در موارد عدیده از تصویب یا پیوستن به عهدنامه‌هایی چون میثاق ملل متحد، قراردادهای بین‌المللی مرتبط با حقوق بشر^۴ و کنوانسیون حقوق معاهدات وین امتناع ورزیده است؛ اما این امر باعث آن نشده که آمریکا در مواقعی که منافع و مصالح آن دولت ایجاب می‌کرده است به مفاد مدون این قراردادها به اعتبار قدرت عرفی آنها توسل نجوید.^۵ در تحلیل حاضر خواهیم دید که آیا آمریکا و سایر کشورهای ثالث که از امضای کنوانسیون تاکنون امتناع ورزیده‌اند، خواهند توانست به اتکا و با تمسک به قدرت عرفی کنوانسیون جدید حقوق دریاها مدعی برخورداری از حقوق و امتیازاتی از قبیل عبور

۴. لازم به تذکر است که ایالات متحده آمریکا با تمسک به معاذیر مختلف منجمله محدودیتهای قانون اساسی خود، بندرت به کنوانسیونها و اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل مرتبط با حقوق بشر پیوسته است. از آن جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ و کنوانسیون پیشگیری و منع کشتار دسته‌جمعی (ژنوسید Genocide) مورخه ۱۹۴۸ می‌باشد که تاکنون کشور مذکور به آنها ملحق نگردیده است.

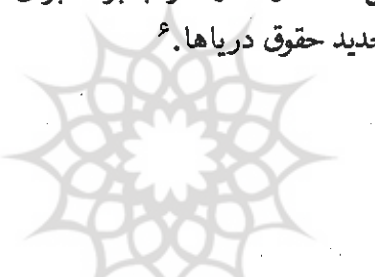
۵. در یک مورد خاص ایالات متحده آمریکا در طرح دعوای خود در دیوان دادگستری بین‌المللی علیه ایران در قضیه گروگانهای سفارت آمریکا در تهران اشاره به قدرت عرفی کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک نموده و در این استدلال نیز به مفاد کنوانسیون حقوق معاهدات که عضو آن نیست، استناد جسته است. رک. به:

Memorial of the Government of the United States of America in the Case concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (United States of America v. Iran) 42 n.2 (1980).

ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی یا بهره‌برداری از منابع غنی بستر دریاها در خارج از محدودهٔ حاکمیت ملی کشورهای ساحلی^۱ و سایر مواردی که صرفاً جنبهٔ قراردادی دارد، بشوند یا خیر؟

بطوریکه خواهیم دید عبور زیردریائی از تنگه‌های بین‌المللی در حالت غوص و یا پرواز از فراز آبهای تنگه‌ها امتیازاتی است که صرفاً در چهارچوب مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها به کشورهای عضو کنوانسیون داده شده و بعضاً مغایر عرف متداول بین‌المللی است؛ از جانب دیگر دستیابی به چنین امکانات و امتیازاتی برای گسترش ناوگان عظیم امریکا در چهارچوب موازنهٔ وحشت اتمی، حیاتی است.

این بررسی کوششی است برای روشن نمودن جوانب و جنبه‌های مختلف این مسئله و آثار مترتب بر آن برای کشورهای ثالث غیر عضو در کنوانسیون جدید حقوق دریاها.^۲



طرح مسئله

کنفرانس سوم حقوق دریاها که بنا به مأموریت جامع‌الاطراف واگذاری از طرف مجمع عمومی ملل متحد مسئولیت بررسی و تدوین نظام نوین حقوقی ناظر بر دریاها را عهده‌دار گردید، در پاره‌ای موارد بنابه نیاز و ضرورت‌های حاکم بر روابط بین‌المللی، بدعت‌هایی در این قلمرو از خود به

۶. لازم به تذکر است که علاوه بر ایالات متحدهٔ امریکا کشورهای دیگری از اروپای غربی مانند انگلستان، آلمان غربی، ایتالیا، اسپانیا و بلژیک نیز همراه ژاپن که شرکتهای آنها منافع بسیاری در بهره‌برداری از منابع اعماق اقیانوسها در ماورای حاکمیت ملی کشورهای ساحلی یعنی جایی که میراث مشترک بشریت نامیده می‌شود دارند، از امضای کنوانسیون خودداری کرده‌اند. ترکیه و ونزوئلا به دلیل اختلافات دویا چند جانبه برای تحدید حدود مناطق دریائی، آرژانتین بر سر مالکیت مورد اختلاف جزایر فالکلند، لیبی بر سر اختلاف فلات قاره با تونس و آلبانی، از جمله کشورهایی هستند که تاکنون کنوانسیون را امضاء نکرده‌اند.

جای گذارد که بعضاً خارج از عرف متداول و روند تحول تدریجی حقوق بین الملل بود. به عبارت دیگر، معدودی از مقررات بسیار مهم تبیین شده در کنوانسیون جدید حقوق دریاها ناشی از بده‌بستانهای سیاسی بود که در نهایت، وسیله حقوقدانها در قالب مواد متعدد قانونی تنظیم و تدوین گردید. از آن جمله می‌توان اشاره به مسئله عبور ترانزیتی یگانهای جنگی و تجارتنی از تنگه‌های بین‌المللی، شامل عبور زیر دریائیه‌ها در حال غوص و پرواز هواپیماها از فراز آبهای تنگه‌ها نمود. این قاعده مدون، خود ناشی از سلسله مذاکرات بسیار طولانی برای فراهم آوردن زمینه پذیرش و تثبیت ۱۲ مایل دریائی عرض دریای سرزمینی^۷ بود که ماهیتاً نظام حقوقی آبهای واقع در تنگه‌های بین‌المللی را در جهت گسترش حاکمیت دولت ساحلی و محدود نمودن حق استفاده از آنها را برای کشورهای ثالث، دستخوش تغییر قرار می‌داد.

همانگونه که در جای دیگر مشروحاً توضیح داده شده است^۸، کشورهای بزرگ دریائی بویژه ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپائی با تعریض عرض دریای سرزمینی به ۱۲ مایل و تسری آن به تنگه‌های بین‌المللی شدیداً مخالف بودند و اعتقاد داشتند که در چنین صورتی، تحرک و گسترش ناوگانهای جنگی و تجاری آنها از این آبراهها مواجه با

۷. «دریای سرزمینی» (territorial sea). منطقه‌ای از دریا چسبیده به سواحل به عرض ۱۲ مایل از خطوط مبده است که در آن کشور ساحلی نوعی حاکمیت قلمروئی اعمال می‌کند. در این آبها که در مالکیت و حاکمیت کشور ساحلی است، دولت ساحلی با قبول اصل عبور بی ضرر کشتیهای بیگانه که تحت ضوابط خاصی انجام می‌گردد، از قسمتی از حاکمیت مطلق خود به نفع جامعه بین‌المللی چشم‌پوشی می‌کند. برای بررسی بیشتر رک. به قسمت دوم «کنوانسیون جدید حقوق دریاها» در ارتباط با موضوع دریای سرزمینی و منطقه نظارت: مواد ۱۵-۲، و عبور بی ضرر: مواد ۲۶-۱۷.

۸. رک. به: علی اصغر کاظمی، «وضعیت کشتیهای جنگی در کنوانسیون جدید حقوق دریاها»، مجله سیاست خارجی، شماره ۱، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۵، ص ۱۶۳. همچنین علی اصغر کاظمی، مسئله پرواز از فراز مناطق مختلف دریائی در کنوانسیون جدید حقوق دریاها، مونوگراف، بهمن ۱۳۶۵ - تهران.

محدودیت‌های مقررات عبور بی ضرر خواهد شد. بدین ترتیب، قاعده عبور ترانزیتی^۹ از تنگه‌های بین‌المللی و آب‌های مجمع‌الجزیره‌ای که محدودیت‌های مقررات عبور بی ضرر را کاهش می‌داد، به کنوانسیون جدید راه پیدا کرد.

نوآوریها و بدعت‌گزاریهایی کنوانسیون جدید حقوق دریاها منحصر به موارد فوق نیست و اشاره خاص به آنچه که در بالا ذکر شد، تنها برای عینیت بخشیدن به ابعاد عملی مسئله در ارتباط با مشروعیت حضور و عبور ناوگانهای جنگی قدرتهای بیگانه (بویژه ایالات متحده آمریکا) در خلیج فارس و تنگه هرمز می‌باشد. این مسئله شامل حال کلیه مواردی در کنوانسیون می‌گردد که به نحوی از انحاء حقوق و تکالیف جدیدی به صورت قراردادی و خارج از قواعد عرفی برای کشورهای امضا کننده ایجاد می‌نماید. از آن جمله می‌توان به فلسفه ایجاد مناطق انحصاری اقتصادی^{۱۰}، حق بهره‌برداری از منابع واقع در بستر اقیانوسها در محدوده خارج از حاکمیت ملی کشور ساحلی (منطقه میراث مشترک بشریت)^{۱۱}، حق برخورداری از خدمات دیوان بین‌المللی حقوق دریاها^{۱۲}... و بسیاری دیگر اشاره نمود.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

۲
بحث اصولی از دیدگاه حقوق معاهدات

در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای کهن وجود دارد که بر اساس آن یک

۹. transit passage. لازم به یادآوری است که در قاعده عبور ترانزیتی، زیر دریائیه‌ها ملزم به عبور در سطح آب و نشان دادن پرچم خود نیستند؛ بعلاوه هواپیماها نیز می‌توانند بدون مانع از فراز آبهای تنگه‌ها عبور کنند. در صورتیکه هر دو مورد فوق در دریای سرزمینی کشورهای ساحلی تابع عبور بی ضرر بوده و ممنوع است.

10. Exclusive Economic Zone.

11. The Common Heritage of Mankind.

12. International Tribunal for the Law of the Sea.

قرارداد نمی‌تواند بدون رضایت کشورهای ثالث برای آنها ایجاد حقوق یا تکالیفی نماید. این اصل که اصطلاح لاتین آن "pacta tertiis nec nocent nec prosunt" می‌باشد، در ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین نیز عیناً مدون شده است و بموجب آن، یک معاهده، تعهدات یا حقوقی برای یک کشور ثالث بدون موافقت آن بوجود نمی‌آورد.^{۱۳} این اصل، هم وسیله دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه «مناطق آزاد» و در ارتباط با عدم تسری ماده ۴۳۵ قرارداد ورسای به دولت غیر عضو سوئیس^{۱۴}، و هم توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال^{۱۵} در مورد عدم شمول قاعده خط منصف (ماده ۶ قرارداد فلات قاره ۱۹۵۸ ژنو) به کشور غیر عضو یعنی آلمان فدرال مورد تأیید و تأکید بوده است.

برخی از حقوقدانان بین‌المللی استدلال کرده‌اند که قاعده عمومی یاد شده در بالا مثل اکثر قواعد حقوقی دارای استثنائاتی است که بدون توجه به آنها نمی‌توان داورى قاطعانه‌ای روی مسئله نمود. معیناً این استثنائات همواره مورد پذیرش عموم نبوده است و در بعضی از آنها اختلاف نظر وجود دارد. کمیسیون حقوق بین‌الملل که مسئولیت تهیه پیش‌نویس کنوانسیون حقوق معاهدات وین را عهده‌دار بود، در این امر اتفاق نظر داشت که «یک معاهده به خودی خود برای کشورهای ثالثی که طرف معاهده نیستند،

۱۳. برای مطالعه یک متن فارسی نسبتاً مفید و تازه در خصوص کنوانسیون ۱۹۶۹ وین رکبه: یان براون لی، «نظری اجمالی بر حقوق معاهدات»، ترجمه احمد قطنیه، مجله حقوقی، شماره پنجم، بهار ۶۵ (دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران)، ص ۱۷۹-۲۱۶، در صفحه ۲۰۱ (این کنوانسیون از تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۹۸۰ قدرت اجرایی پیدا کرده است). همچنین رک. به مقاله زیر که در تدوین این بررسی از برخی نظرات آن استفاده شده است:

LUKE T. LEE: "The Law of the Sea Convention and Third States", 77 American Journal of International Law, (1983), pp. 451-568.

14. The Free Zones of Upper Savoy and the District of Gex Case 1932 Permanent Court of International Justice (PCIJ), ser. A/B No. 46, at 141.

15. The North Sea Continental Shelf Cases, 1969 ICJ Rep. 3, 25-26.

ایجاد تعهد نمی‌کند.»^{۱۶}

از جمله کمیسیون مذکور این نظریه را که معاهدات موجود رژیمهای حقوقی عینی - مثلاً غیرنظامی کردن یک منطقه از طریق بستن عهدنامه و یا تأسیس نظام حقوقی برای یک گذرگاه عمده آبی - در حقوق کنونی معاهدات، موقعیتی ممتاز دارند و استثنای بر اصل هستند، پذیرفت.^{۱۷}

البته تحت شرایطی خاص و در موارد مشخص، یک قرارداد ممکن است حقوق و تکالیفی برای یک کشور ثالث ایجاد کند. در همین زمینه ماده ۳۵ کنوانسیون وین چنین پیش‌بینی نموده است:

«مقررات یک معاهده در صورتی برای یک کشور ثالث ایجاد تعهد می‌کند که قصد امضا کنندگان معاهده چنین باشد و کشور ثالث نیز آن تعهد را صراحتاً و کتباً بپذیرد.»

مع الوصف در پاره‌ای موارد ممکن است بدون آنکه ذکر صریحی در کنوانسیون بعمل آمده باشد، ادعا شود که کشور یا کشورهای ثالثی از نتایج مفاد آن متأثر می‌شوند. مورد اخیر مربوط می‌شود به معاهداتی که به خاطر منافع جامعه بشریت و اصول انسانی قواعدی را که بعضاً در قلمرو عرف بین‌المللی جا افتاده است، مدون کرده باشد، مانند کنوانسیونهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در ارتباط با اصول حقوقی جنگ و بیطرفی و یا قراردادهای ۱۹۴۹ ژنو که به جهاتی مکمل آنها به شمار می‌آید. مورد دیگر آن معاهداتی است که متضمن مجازاتهای قانونی علیه کشور متجاوز است که حقوق بین‌الملل را نقض کرده باشد.^{۱۸} کنوانسیون حقوق

۱۶. رک. به: «نظری اجمالی بر حقوق معاهدات»، مأخذ یاد شده بالا، ص ۲۰۱.

۱۷. همان مأخذ، ص ۲۰۱.

۱۸. کنوانسیون حقوق معاهدات وین در مورد تعهدات یک کشور مهاجم ناشی از یک معاهده و در نتیجه اقدامات متخذه براساس منشور ملل متحد، قائل به استثناء شده است؛ از جمله در بند ۶ ماده ۲ منشور پیش‌بینی شده است: «سازمان طوری اقدام خواهد کرد که کشورهای غیر

معاهدات وین اختلاف نظر موجود بین حقوقدانان در ارتباط با «قید تعهد به نفع طرف ثالث»^{۱۹} را به نحوی صریح در ماده ۳۶ به شرح زیر فیصله داده است:

۱. از مفاد یک معاهده تنها در صورتی حقی برای یک کشور ثالث بوجود می‌آید که طرفهای آن معاهده قصدشان از مفاد آن تفویض آن حق به کشور ثالث یا گروهی از کشورها که کشور ثالث وابسته بدان است و یا همه کشورها، باشد و کشور ثالث با این امر موافقت کند. مادامی که کشور ثالث مخالفتی نکرده است، موافق فرض می‌شود مگر آنکه معاهده به نحو دیگری پیش بینی کرده باشد.

۲. کشوری که بموجب مقررات بند ۱ فوق‌الذکر از حقی استفاده می‌کند، بایستی شرایط مقرر در معاهده را در باب نحوه استفاده از حق مذکور و یا شرایطی را که براساس معاهده شکل گرفته است، رعایت نماید».

در عبارات فوق اساس رضایت و اراده کشورهای عضو معاهده نکته کلیدی است و مآلاً نمی‌توان وجود چنین نیتی را در صورت عدم تصریح، مفروض دانست.^{۲۰} البته برخی از حقوقدانان معتقدند که در مواردی مانند قراردادهای مربوط به حق عبور از آبراههای بین‌المللی که جنبه عام و اطلاق

عضو ملل متحد، اقدامات خود را در حدودی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم است، با این اصول منطبق نمایند.

به عقیده بسیاری از حقوقدانان مفاد بند مذکور عملاً کشورهای غیر عضو را در شمول مجازاتهایی قرار می‌دهد که به لحاظ ضمانت اجرای منشور پیش بینی شده است.

19. stipulation pour autrui

۲۰. لازم به تذکر است که کشور ثالث همواره می‌تواند اگر منافعش ایجاب کند با عدم استفاده از حق خاصی که از طرف کشورهای متعاقد دیگر برای آن منظور گردیده است، اساس وجود و نافذ بودن مفاد قرارداد را انکار نماید. بموجب بند ۲ ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، حق تفویض شده به کشور ثالث را نمی‌توان فسخ یا تعدیل نمود اگر مسلم باشد که اقدام به چنین امری موکول به موافقت کشور ثالث است. مقایسه کنید با «نظری اجمالی بر حقوق معاهدات»، همان مأخذ ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

بر «تمام کشورها»^{۲۱} یا «تمام ملتها»^{۲۲} را دارد، قرارداد بین‌المللی حتی در آینده نیز ممکن است حقوقی برای کشورهایی که تازه بوجود می‌آیند، ایجاد نماید.^{۲۳} آبراه‌های بین‌المللی مورد نظر در اینجا کانال سوئز، کانال پاناما و کانال کیل هستند که در قراردادهای ناظر به بهره‌برداری از آنها عبارت «تمام ملتها» یا «تمام کشتیهای جنگی و تجاری بدون توجه به پرچم آنها» بکار گرفته شده است.^{۲۴} در کنوانسیون جدید حقوق دریاها صراحت کمتری در اشاره به طرفهای متعاقد وجود دارد و غالباً اصطلاحات کشورهای ساحلی، کشورهای مجمع‌الجزیره‌ای، کشورهای بدون ساحل و یا عبارت ساده «کشور» بسته به مقوله و موضوعات مورد نظر، بکار گرفته شده است.



ماهیت قراردادی کنوانسیون و حقوق و تکالیف ناشی از آن

الف. مواضع ایران در بیانیه و اعلامیه نهائی

بطوریکه قبلاً اشاره شد، هیئت نمایندگی ایران بموجب ماده ۳۱۰ کنوانسیون حقوق دریاها هنگام امضای آن، هم در بیانیه شفاهی در اجلاس دسامبر ۱۹۸۲ در مونتگوبی و هم در اعلامیه کتبی، موضع بسیار ظریف و دقیقی در ارتباط با ماهیت قراردادی کنوانسیون جدید و حقوق و تکالیف

21. All States

22. All Nations

۲۳. رک. به:

JIMENEZ DE ARECHAGA: "Treaty Stipulations in favor of Third States", 50 American Journal of International Law (1956), pp. 338, 356.

۲۴. مثلاً رک. به: ماده ۱ قرارداد قسطنطنیه ۱۸۸۸ در مورد کانال سوئز، ماده ۳ قرارداد ۱۹۰۱

Hay-Pauncefote بین انگلیس و ایالات متحده آمریکا در مورد کانال پاناما و ماده ۳۸۰

معاهده ۱۹۱۹ ورسای در مورد کانال کیل.

ناشی از آن اتخاذ و ارائه نمود. هدف اصلی از تسلیم این اعلامیه که مواد متعدّد دیگری را نیز در بر می‌گرفت آن بود که در آینده از تفسیرهای احتمالی موادی که مغایر با روح و مقصود اصلی و مواضع قبلی و یا ناهماهنگ با قوانین و مقررات ملی و داخلی ایران است، احتراز بعمل آید.

از آنجا که در عمل و در اجلاس آوریل ۱۹۸۲ نیویورک مشهود گردیده که برخی از کشورها منجمله ایالات متحده آمریکا از تصویب و امضای کنوانسیون جدید حقوق دریاها امتناع خواهند ورزید، لازم بود با توسل به یک استدلال قاطع حقوقی، راه کشورهای ثالث غیر عضو برای بهره‌گیری از حقوق مدوّن پایه‌ریزی شده در کنوانسیون به نحوی مسدود گردد.

بدین ترتیب اولین موضع اعلام شده وسیله هیئت نمایندگی ایران در ارتباط با موضوع مورد بحث در این مقاله به شرح زیر بود:

«علی‌رغم خصیصه مورد نظر کنوانسیون که شمول عام و طبیعت تقنینی آن می‌باشد، برخی از مقررات آن که صرفاً نتیجه بده‌بستانهای^{۲۵} سیاسی بوده ضرورتاً جنبه تدوین عرف موجود یا رویه جاری به صورتیکه ماهیت تعهدآمیز داشته باشد، ندارد و بنابراین با نگرش به ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات، طبیعی است که تنها کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها می‌توانند از حقوق قراردادی ناشی از آن بهره‌مند شوند.»^{۲۶}

در ادامه این بند موارد خاصّ از کنوانسیون که مشمول ملاحظات فوق قرار می‌گیرند صریحاً تذکر داده شد. این موارد عبارت بودند از: حق عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی (ماده ۳۸)، حق برخورداری از منطقه

25. quid-pro-quo

۲۶. رک. به: سخنرانی نماینده ایران در یکصد و یکمین جلسه مجمع عمومی کنفرانس سوم حقوق دریاها در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۲، مدرک:

UN Doc. A/CONF. 62/ PV. 191 at 32 (1983); see also: Office of the Special Representative of the Secretary General for the Law of the Sea, Law of the Sea Bulletin No. 1, December 1983, p. 17.

انحصاری اقتصادی (فصل پنجم)، حق بهره‌برداری از منابع واقع در بستر اقیانوسها و میراث مشترک بشریت (فصل یازدهم). عبارت نهائی طوری تنظیم شده بود که ممنوعیتهای مذکور منحصر به موارد ذکر شده نگردیده و بعضاً هر حقوق و امتیاز دیگری را که وسیله کنوانسیون ایجاد شده نیز در بر گیرد. ۲۷

ب. موضع کشورهای جهان سوم (اعضای گروه ۷۷) ۲۸

موضعگیری ایران که مورد حمایت بسیاری دیگر از هیئتهای نمایندگی قرار گرفت، باعث شد برخی دیگر از کشورها نیز بدان تأسی کرده و کتباً یا شفاهاً در ارتباط با حق برخورداری کشورهای ثالث غیر عضو از حقوق و مزایای پیش‌بینی شده در کنوانسیون اعلام موضع نمایند. به استناد آنچه که در بالا ذکر شد و با مراجعه به نظرات دیگر هیئتهای نمایندگی به نظر می‌رسد که قصد مورد نظر ماده ۳۶ کنوانسیون حقوق معاهدات وین در ارتباط با «قیدتعهد به نفع طرف ثالث» را قاعدتاً بایستی در بیانات و اعلامیه‌های نهائی کشورهای شرکت کننده در اجلاس پایانی کنفرانس سوم حقوق دریاها در مونتگویی - جامائیکا مورد جستجو قرار داد. بیانیتهای معدودی که در دسامبر ۱۹۸۲ بطور تلویحی یا تصریحی ارائه گردید (تنها بیانیه ایران تصریح به موضوع داشت) همگی حاکی از این بود که کشورهای امضا کننده کنوانسیون قصد ایجاد حق برای کشورهای ثالث غیر عضو را نداشته‌اند.

۲۷. همان مأخذ.

۲۸. "Group of 77" یکی از گروههای بسیار مهم در سازمان ملل متحد متشکل از حدود یکصد و بیست کشور مستقل است که عمدتاً کشورهای در حال توسعه جهان سوم را شامل می‌گردد. این گروه در آغاز تولد، تنها ۷۷ عضو داشت و به همین جهت با وجود افزایش اعضا هنوز به همان اسم نامیده می‌شود. گروه ۷۷ دارای قدرت سیاسی بسیار تعیین کننده‌ای در تصمیم‌گیریهای مجمع عمومی ملل متحد و ارگانهای وابسته به آن می‌باشد. در کنفرانس سوم حقوق دریاها نیز این گروه از اهرمهای قدرت عددی و آرای خود به نحو بایسته استفاده نمود.

علاوه بر موارد فوق، یک موضعگیری خاص که از جانب رئیس گروه ۲۹۷۷ (متشکل از حدود ۱۲۰ کشور جهان سوم) بعمل آمد، با اشاره به ماهیت کنوانسیون به عنوان «مجموعه به هم پیوسته» (package deal) استفاده از اجزای منتخب آن به صورت اختیاری و عدم رعایت بقیه مفاد کنوانسیون را غیر ممکن و خارج از قاعده توصیف کرده و تصریح نموده است که: «هیچ کشوری نمی‌تواند در صورت عدم الحاق به کنوانسیون، مدعی برخورداری از قواعد یا حقوق تازه‌ای که وسیله آن ایجاد گردیده است، بشود.»^{۳۰}

ج. موضع رئیس کنفرانس سوم حقوق دریاها

آقای «نامی گه»^{۳۱} رئیس هیئت نمایندگی سنگاپور که ریاست عالیته کنفرانس سوم حقوق دریاها را در اجلاسهای پایانی به عهده داشت نیز طی بیانیته و مصاحبه‌هایی صراحتاً اظهار نمود که منافع امنیتی و نظامی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا در صورت عدم امضای کنوانسیون ضرورتاً از

۲۹. دیگر کشورهایی که به طریقی در ارتباط با حقوق کشورهای ثالث بیاناتی ایراد نمودند عبارت بودند از: کانادا، کامرون، تانزانیا، جمهوری سوسیالیستی بلوروسی، اندونزی و اتحاد جماهیر شوروی. برای بررسی نظرات آنها رک. به صورتجلسات نشستهای ۶ تا ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ در مونتگویی - جامائیکا.

۳۰. ریاست گروه ۷۷ در اجلاس پایانی کنفرانس سوم حقوق دریاها در جامائیکا هیئت نمایندگی پرو آقای «آریاس شرایبر» (Arias-Schreiber) بود.

رک. به: UN Doc, A/CONF. 62/PV. 185 at 66.

تئوری package deal عنوان شده وسیله رئیس هیئت نمایندگی پرویکی از بدعتهای کنفرانس سوم حقوق دریاها بود که بدون شک در روند مذاکرات و جمع بندی آرا و نظرات به صورت اجماع (consensus) اثرات بسیار تعیین کننده‌ای به جای گذارد. کشورهای اروپای شرقی به رهبری و تحت تأثیر موضع هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی نیز از فلسفه به هم پیوستگی و package deal کنوانسیون در مقابل غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا که نظر چندان خوشی با قضیه نداشتند، شدیداً حمایت می‌کردند.

31. Tommy Koh

طریق قدرت عرفی حقوق بین الملل تأمین نخواهد شد، و نتیجتاً این کشور در ارتباط با بهره گیری از حق عبور ترانزیتی از تنگه های بین المللی که با منافع حیاتی و استراتژیکی امریکا پیوند دارد، مواجه با مخاطراتی خواهد شد و موضع ضعیفی در مقابل کشورهای عضو کنوانسیون خواهد داشت.^{۳۲}

رئیس کنفرانس در جای دیگر این ادعا را که بجز قسمت یازدهم کنوانسیون بقیه مواد آن صرفاً قواعد عرفی حقوق بین الملل را تدوین می کند رد کرد. برای اثبات نظر خود، آقای «گه» دو مثال بارز از متن کنوانسیون آورد و آنها عبارت بودند از حق عبور ترانزیتی از تنگه های بین المللی و خطوط عبور مجمع الجزیره ای. حتی در موارد دیگر مثلاً ماده ۷۶ کنوانسیون درباره فلات قاره نیز نوآوریهای نظیر «شیب قاره ای»^{۳۳} و «فراز قاره ای»^{۳۴} در کنوانسیون به چشم می خورد که نتیجه داد و ستد امتیاز برای تقسیم عواید حاصله از منابع واقع در ماورای ۲۰۰ مایل دریائی می باشد (ماده ۸۲).^{۳۵}

استدلال فوق را حتی می توان به مواد بسیار شاخص دیگر کنوانسیون تعمیم داد. از جمله در ماده ۳ آن که صحبت از حقوق هر کشوری^{۳۶} برای تعیین عرض دریای سرزمینی خود تا حد ۱۲ مایل دریائی از خطوط مبدا می نماید، می توان ادعا نمود که مقصود، هر کشور عضو کنوانسیون می باشد. به عبارت دیگر کشوری که از پیوستن به این قرارداد بین المللی امتناع ورزیده در واقع از برخورداری امتیاز داده شده در ماده مذکور صرف نظر کرده است. بنابراین حتی می توان استدلال کرد که با وجود مقبولیت کم و بیش جهانی قاعده ۱۲ مایل دریای سرزمینی، هنوز زمینه حقوقی لازم یا *opinio juris*^{۳۷} برای تلقی این اصل به عنوان یک قاعده مسلم عرف بین المللی

32. LUKE T. LEE, "The Law of the Sea Convention and Third States," op-cit., note to p. 542.

33. continental slope

34. continental rise

۳۵. رک. به بیانات رئیس کنفرانس حقوق دریاها درمدرک زیر:

Meeting of December 10, 1982, UN Doc. A/CONF. 62/V. 193, at 23-25 (1983).

36. every state

۳۷. *opinio juris sive necessitatis*. عبارت است از اصلی که بر اساس آن قاعده خاصی در

فراهم نیست.^{۳۸} سایر نوآوریهای کنوانسیون مانند منطقه انحصاری اقتصادی و غیره نیز در همین راستا قرار می‌گیرد و امتیاز آن صرفاً برای کشورهای عضو کنوانسیون محفوظ خواهد بود.



تحلیل حقوقی مواضع اعلام شده در ارتباط با کشورهای ثالث

یک نکته قابل تذکر در رابطه با ماهیت کنوانسیون حقوق دریاهای و امتیازات و تعهدات ناشی از آن، این است که در طول سالهای مذاکره برای دستیابی به متن واحد، فرض بر این بود که کلیه کشورهای عضو ملل متحد اعم از غنی و فقیر، کوچک و بزرگ، شمال و جنوب صرف نظر از هرگونه ایدئولوژی و گرایشهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به آن خواهند پیوست و مشمول مقررات آن خواهند شد. همین فرض حاکم بر نحوه دستیابی به توافقاتی موردی و مقطعی مواد گوناگون کنوانسیون بود که

روابط بین الملل مقبولیت و اعتبار کافی جهت اجرا به عنوان یک الزام حقوقی کسب می‌کند. اصطلاحاً گفته می‌شود که قواعد معتبر عرفی و اصول کلی حقوق بین الملل برخوردار از *opinio juris* می‌باشند. موازینی که برخوردار از این خصیصه هستند می‌توانند به آسانی تدوین و تبیین شده و وارد قلمرو قوانین لازم الاتباع در حقوق بین الملل شوند. برای بررسی بیشتر رک. به آرای دیوان بین المللی دادگستری در قضیه فلات قاره دریای شمال:

International Court of Justice (I.C.J.) Rep., 1969, 1 at 44.

همچنین به قضیه: Fisheries jurisdiction case, I.C.J. Rep. 1974, 1 at 23.

۳۸. در حال حاضر حدود ۷۸ کشور جهان در قوانین داخلی خود از قاعده ۱۲ مایل دریای سرزمینی، و حدود ۲۳ کشور (یعنی اکثر قدرتهای بزرگ دریائی) از قاعده قدیمی ۳ مایل استفاده می‌کنند. رک. به:

United States Department of State, Office of the Geographer, Summary of Coastal States Claims (mimeo Nov. 15, 1982), updating Limits in the Seas No. 36: National Claims to Maritime Jurisdiction (4th, rev. 1981).

بر اساس «اجماع»^{۳۹}، یعنی بدون توسل به ابزار متداول رأی گیری، اداره می‌شود. شاید یکی از دلایل طولانی شدن کنفرانس سوّم حقوق دریاها (حدود ده سال) مربوط به همین ویژگی آن باشد. به عبارت دیگر، شرکت کنندگان برای تدوین یک موضوع یا ماده آنقدر بحث و مجادله و مصالحه می‌کردند تا به یک نظر مورد توافق عام بدون رأی گیری (یعنی اجماع) دست پیدا کنند.

پس می‌توان بدرستی ادعا کرد که قصد و نیت شرکت کنندگان در کنفرانس، ایجاد حق و امتیاز یا تعهد متقابلی برای کشور ثالث غیر عضو نبوده است؛ زیرا اساساً چنین قصدی مغایر نیت اولیه و فلسفه برگزاری کنفرانس می‌تواند تلقی شود. مضافاً اینکه چنانچه مسئله را از دیدگاه حقوق موضوعه نگاه کنیم مشاهده می‌گردد که اکثریت قریب به اتفاق اعضای شرکت کننده در کنفرانس (یعنی کشورهای عضو گروه ۷۷ و کشورهای اروپای شرقی) مخالف برخورداری کشورهای ثالث غیر عضو از حقوق و مزایای پیش بینی شده در کنوانسیون جدید حقوق دریاها هستند.

موضع رسمی ایران در ارتباط با ماهیت کنوانسیون که در بالا به آن اشاره شد با امان نظر به اینکه ممکن است برخی کشورهای ثالث غیر عضو با استناد به «طبیعت تقنینی» و نیت تدوین عرف موجود یا رویه جاری بعضاً مدعی برخورداری از حقوق و امتیازات مدوّن شده در آن باشند، طوری بیان و اعلام گردید که این مفرّ احتمالی تفسیری مسدود گردد؛ لذا در آنجا به جنبه‌های قراردادی موضوع در چهارچوب «بنده بستان» که شاخص روابط آزاد دولتهای حاکم در جامعه بین المللی است اشاره گردیده که نکته بسیار سنجیده و دقیقی به حساب می‌آید.^{۴۰}

39. consensus

۴۰. در حقوق بین الملل، دولتهای حاکم و مستقل می‌توانند به هر طریق که مصالح و منافع متقابل آنها ایجاب می‌کند بین خود قراردادهائی امضاء کنند. این قراردادها که با رضایت کامل طرفین منعقد می‌گردند مادامی که معایر میثاریهای قطعی یا «قواعد آمره» (jus cogens) حقوق بین الملل نباشند، نافذ و معتبر خواهند بود.

یکی از بهره‌های احتمالی این موضعگیری که دور از واقعیت هم به نظر نمی‌رسید این بود که با این تاکتیک فشار بیشتری روی ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهایی که از امضای کنوانسیون خودداری می‌کردند، وارد آمده و آنان را به خاطر حقوق و مزایایی که ممکن بود بدین طریق از دست بدهند، وادار به امضاء یا الحاق به آن در فرصتهای مقرر بنماید؛ زیرا برای ایالات متحده آمریکا بسیار حیاتی است که مثلاً از حق عبور ترانزیتی از تنگه‌های بین‌المللی استفاده کند. این امر بستگی مستقیم به حضور و گسترش و عبور زیردریاییهای اتمی آمریکا حامل موشکهای بالستیک در آبراههای استراتژیک دنیا دارد. اهمیت این مسئله برای آمریکا بحثی است که در خلال مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریاها رئیس هیئت نمایندگان آن کشور از قول کاخ سفید به کنفرانس هشدار داد چنانچه کوچکترین محدودیتی برای گسترش ناوگان ایالات متحده در دریاهای جهان بوجود آید کشور متبوعش از امضای کنوانسیون خودداری خواهد نمود. البته این ابرقدرت به دلایل دیگر از جمله ناخشنودی از مفاد بخش یازدهم کنوانسیون در ارتباط با منابع واقع در بستر اقیانوسها در منطقه «میراث مشترک بشریت» از تصویب و امضای کنوانسیون خودداری نمود، شاید به این امید که بتواند از حقوق عرفی دیگر مفاد قرارداد استفاده نماید.^{۴۱} به

۴۱. یکی از مقامات وزارت امور خارجه آمریکا در یک بیانیه رسمی اعلام نمود که به اعتقاد دستگاه حکومتی ایالات متحده آمریکا، تصمیم پرزیدنت ریگان مبنی بر عدم امضای کنوانسیون حقوق دریاها تأثیری در گسترش ناوهای امریکائی در آبهای آزاد و عبور آنها از تنگه‌های بین‌المللی نخواهد داشت؛ زیرا [بزعم آنها] حقوق بین‌الملل موجود این حق را برای آنها تضمین می‌کند. رک. به روزنامه‌های واشینگتن پست مورخه ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۲ (ص ۱ ای ۵) و نیویورک تایمز مورخه ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۲ (ص ۵) و کریسچین ساینس مانیتور مورخه ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۲ (ص ۲۴)، همچنین رک. به:

RATNER: "The Law of the Sea: A Crossroad for American Foreign Policy", 60 Foreign Affairs, pp. 1006-1018 (1982); see also: Law of the Sea Negotiations: Hearing before the Subcommittee on Arms Control, Oceans, International Operations and Environment of the US Senate Comm. on Foreign Relations, 97th Cong., 2d Sess., 8 (1982).

در مقابل بیانات فوق، یکی از دست‌اندرکاران حکومت آمریکا که از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰

تبعیت از ایالات متحده آمریکا دیگر کشورهای صنعتی اروپای غربی مانند انگلستان، آلمان غربی، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، و در خاور دور، ژاپن که دارای تکنولوژی پیشرفته برای اکتشاف و استخراج منابع واقع در بستر اقیانوسها هستند تاکنون کنوانسیون را امضاء نکرده اند.

به ترغیب برخی از حقوقدانان و سیاستمداران غربی، کشورهای یاد شده در صدد برآمدند در خارج از چهارچوب مقررات مدون کنوانسیون اقدام به انعقاد یک قرارداد کوچک برای استخراج معادن و منابع واقع در منطقه میراث مشترک بشریت بنمایند. یعنی به عبارت دیگر، آنها میخواستند یک جبهه مؤتلفه از کشورهای ثالث غیرعضو تشکیل بدهند که عملاً دارای امکانات فنی و تکنولوژیکی و مالی جهت سرمایه گذاری در بستر اقیانوسها بودند. بدین ترتیب بزعم مشوقان این فکر، آنها قادر می شدند عوارض ناشی از محدودیتهای حقوقی و سیاسی مترتب بر کشور ثالث را از جهات مختلف خنثی نمایند.^{۴۲}

تردید نیست که این طرز تلقی از کنوانسیون اندیشه خامی بود؛ زیرا حتی قبل از اجلاس پایانی کنفرانس سوم حقوق دریاها که زمزمه "mini - treaty" یا همان «قرارداد کوچک» در راهروهای سازمان ملل متحد پراکنده شد، بلافاصله هیئتهای نمایندگان عضو گروه ۷۷ عکس العمل شدیدی نشان دادند و فکر توسل به چنین عملی را محکوم نمودند. در اجلاس پایانی مونتهگویی در جامائیکا نیز کشورهای امضاکننده

→ ریاست هیئت نمایندگی ایالات متحده آمریکا در کنفرانس سوم حقوق دریاها را عهده دار بود یعنی آقای «الیوت ل. ریچاردسون» Elliot L. Richardson معتقد است که کشور متبوعش قادر نخواهد بود بدون پیوستن به کنوانسیون جدید، از امتیازات آن برخوردار شود. تأکید وی بیشتر روی آزادی دریانوردی کشتیهای جنگی از آبراههای بین المللی بود.
رک. به:

Christian Science Monitor, July 22, 1982; see also: ELLIOT L. RICHARDSON: "Power, Mobility and the Law of the Sea," 55 Foreign Affairs, pp. 902-905 (1980).

۴۲. برای بررسی بیشتر در زمینه فوق رک. به:

ANTHONY D'AMATO, "An Alternative to the Law of the Sea Convention," (Editorial Comments), 77 American Journal of International Law (1983), pp. 281-285.

کنوانسیون با آمادگی کامل با موضوع برخورد کردند و در سخنرانیها و اعلامیه‌های خود اقدام به هرگونه توافقی در خارج از چهارچوب کنوانسیون حقوق دریاها را خیانت به جامعه بین‌المللی و روح فلسفه «میراث مشترک بشریت» قلمداد نمودند.

هیئت نمایندگی ایران نیز در اجلاس فوق‌الذکر قبل از امضای کنوانسیون، مواضع خودخواهانه و اشتباهی سیری ناپذیر شرکتهای بزرگ چندملیتی برای بلعیدن «میراث مشترک بشریت» را تقبیح نمود. در اشاره به قرارداد کوچک نیز به کنفرانس هشدار داد که جامعه بین‌المللی برای دفاع از حقوق مشروع خود در مسئله «میراث مشترک بشریت» پایداری خواهد نمود و ثروتهای بیکران این منطقه را از تعدی و غارت هر متجاوز— خواه بطور انفرادی یا از طریق انعقاد پیمان خصوصی— حفاظت خواهد کرد. هیئت نمایندگی ایران افزود که کنوانسیون حقوق دریاها می‌تواند مهمترین چهارچوب تنظیم کلیه مفاهیم حقوقی، اقتصادی و سیاسی در جهت بهره‌برداری از دریاها و ایجاد برخورد منطقی در مسئله شمال و جنوب و رابطه عادلانه بین کشورهای غنی و فقیر باشد، به شرطی که تمام دولتها به تعهدات اخلاقی خود درباره نظام نوین اقتصادی جهان پای بند باشند. در اشاره به موازین مترقی که در متن کنوانسیون جدید تدوین گردیده است، هیئت نمایندگی ایران گفت: «دستیابی به این اصول در صورتی میسر می‌گردد که قانون و عدالت جایگزین زور و قدرت گردد و کشورهای درحال توسعه بتوانند به دانش و تکنولوژی پیشرفته کشورهای صنعتی دست یافته و در این مسابقه نابرابر در عرصه مناسبات زورمدارانه بین‌المللی عرض وجود نمایند.»^{۴۳}

صراحت موجود در موضعگیری فوق در ارتباط با کشورهای صنعتی همراه با اعتراضات کم و بیش مشابه از طرف اکثریت کشورهای شرکت

۴۳. رک. به متن سخنرانی هیئت نمایندگی ایران در:

Meeting of December 9, 1982, UN Doc. A/CONF. 62/PV. 191 at 32 (1983).

کننده در اجلاس پایانی کنفرانس، جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌گذارد که قطعاً نیت اعضای امضاکننده کنوانسیون، دادن کمترین امتیازی به کشورهای ثالث غیرعضو نبوده است. در نتیجه، هرگونه تعبیر و تفسیر از کنوانسیون به نفع گروه اخیر مخالف آرا و نظرات کشورهای متعاقد و امضاکننده می‌باشد. لذا کشورهای غیرعضو خواهند توانست قسمتهائی از کنوانسیون را که به نفع آنهاست بپذیرند^{۴۴}، ولی قسمتهائی را که مآلاً با منافع فردی و خصوصی آنها مغایر است و لکن موافق مصالح جامعه بین‌المللی در کل می‌باشد، نفی کنند.^{۴۵} اساس تئوری package deal نیز در همین راستا پایه‌ریزی شده است^{۴۶}.

• نتیجه کلی

با وجود آنکه از دیدگاه حقوقی محض تنها متعاهدین یک قرارداد از حقوق و تکالیف آن برخوردارند لیکن در پاره‌ای از موارد به علت طبیعت و ویژگی برخی معاهدات بین‌المللی که همزمان جنبه تقنینی و قراردادی دارند، کشورهای ثالث نیز مشمول مقررات آن می‌گردند. تفکیک این دو جنبه همواره آسان نبوده است. مثلاً در قضیه فلات قاره دریای شمال^{۴۷} که تحدید حدود فلات قاره آلمان غربی و هلند و دانمارک مطرح بود، دیوان بین‌المللی دادگستری با استناد به قرارداد فلات قاره ۱۹۵۸ ژنو قائل به تفکیک دورشته قاعده گردید. بدین ترتیب که مثلاً سه ماده از قرارداد مذکور را که در زمره حقوق بین‌الملل عرفی تبلور یافته و تدوین شده بود،

۴۴. مانند حق استفاده از عبور ترانزیتی در تنگه‌های بین‌المللی و رفع محدودیت از زیردریائیه برای دریانوردی در سطح آب و نشان دادن پرچم و همچنین پرواز هواپیما از فراز آبهای تنگه.

۴۵. مانند تمام مسائل مربوط به بستر دریاها و میراث مشترک بشریت.

۴۶. رک. به پانویس ۲۸.

47. The North Sea Continental Shelf Cases, International Court of Justice (I.C.J.) Rep. 1969, 1 at 39.

قرارداد تلقی نمود^{۴۸} و بقیه مواد را صرفاً محصول توافق متقابل که ربطی به عرف متداول نداشت، تشخیص داد. نتیجه عملی موضعگیری فوق این است که صرف نظر از آنکه یک قاعده پذیرفته شده عرفی به صورت مکتوب تدوین شده باشد یا خیر، کلیه کشورهای عضو جامعه بین المللی ملزم به رعایت آن هستند و انحراف از مسیر آن به اعتبار منافع خاص یا مصالح و قوانین ملی جایز نیست.^{۴۹}

بدین ترتیب بخوبی درمی یابیم که در عمل، ممکن است بخشی از مفاد یک کنوانسیون صرفاً طبیعت قراردادی لازم الاتباع بین متعاهدین آن داشته باشد و در عین حال بخشهایی دیگر از آن که منعکس کننده عرف متداول بین المللی است، کشورهای ثالث غیر عضو را نیز در بر گیرد. این همان تعبیری است که ما از کنوانسیون جدید حقوق دریاها ارائه نمودیم.

با توجه به آنچه که در صفحات قبل آمد و در رابطه با حقوق و تکالیف کشورهای ثالث، تردیدی نیست که دولتهای غیر عضو همواره مشمول آن دسته از مقررات مندرج در کنوانسیون که بعضاً قواعد عرفی مورد پذیرش جامعه بین المللی را مدون کرده است، خواهند بود. به عبارت دیگر، قسمت‌هایی از کنوانسیون جدید که تبلور یافته از اصول پای برجای ناظر و حاکم بر استفاده صلحجویانه از دریاها و حفظ محیط زیست دریائی، آزادی دریانوردی در گستره های عظیم آبهای بین المللی، حل مسالمت آمیز اختلافات ناشی از تعارض منافع و حاکمیت کشورها در دریا و... می باشد، کماکان برای کلیه کشورهای جهان اعم از آنها که کنوانسیون را امضاء کرده اند و به آن ملحق خواهند شد یا خیر، محفوظ و معتبر خواهد بود. تنها

۴۸. برای بررسی کلی رک. به:

D.P. O'CONNEL: "The Normative Effect of the Law of the Sea," in the International Law of the Sea, Vol. I (Edited by I. A. Shearer), (Oxford, UK: Clarendon Press, 1984) n. 44

۴۹. مقایسه کنید با همان مرجع، ص ۴۵. لازم به توضیح است که معمولاً اقدام به رزرو (reservation) در مسواری که قواعد عرفی را در یک قرارداد تدوین می کنند ملغی الاثر می باشد.

آن قسمت از مواد کنوانسیون که صرفاً مولود توافق متقابل و محصول
بده بستان چندجانبه می باشد و طبیعت تقنینی ندارد، منحصر به کشورهای
عضو بوده و فقط گروه اخیر می توانند از حقوق قراردادی ناشی از آن بهره مند
شوند. عبور ترانزیتی از تنگه های بین المللی نیز مطابق آنچه که در صفحات
قبل ذکر شد، از جمله امتیازات مهمی است که در زمره توافقات گروه
اخیر قرار می گیرد و به خاطر رفع برخی محدودیت های مرتبط با عبور بی ضرر
در دریای سرزمینی^{۵۰}، علی الاصول شامل کشورهای ثالث غیر عضو
کنوانسیون جدید حقوق دریاها نمی گردد.

کنوانسیون جدید حقوق دریاها هنوز حد نصاب لازم جهت قدرت
اجرائی پیدا کردن را کسب ننموده و بعید به نظر می رسد که در آینده ای
نزدیک ۶۰ کشور امضا کننده رسماً به آن ملحق شوند.^{۵۱} مع الوصف روح و
محتوای این قرارداد عظیم بین المللی که تنها با منشور ملل متحد قابل مقایسه
می باشد، و هدف اساسی جهانشمولی که از آغاز بر مراحل تدوین آن حاکم
بوده است، معدود کشورهای ثالث غیر عضو را که عالمأ عامداً به آرمانهای
والای جامعه بشریت پشت کرده و به آن نپیوسته اند، از حمایت همه جانبه
خود محروم خواهد کرد.

ژئوگرافیک و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵۰. رک. به پانویس ۴۲.

۵۱. رک. به ماده ۳۰۸ کنوانسیون.